

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۰۴ اگست ۲۰۱۲

در حاشیه برگزاری مراسم افتتاحیه المپیک لندن

## تاریخ جوامع تاریخ زندگی مردم و مبارزه طبقاتی است

تاریخی که ما کمونیستها از آن سخن می رانیم، تاریخی است که نمی شود آن را جعل کرد. این تاریخ، تاریخ دوستی ملل و طبقه کارگر و همه پابرهنگان سراسر گیتی است. این تاریخ، تاریخ بشریت مترقی، تاریخ ماست. تاریخی که با تاریخ آنها تفاوت دارد. یا با ما و یا با آنها، راه دیگری نیست. این تاریخ در روز قطعی جدال، جشن دست در دست هم بودن پنج قاره را در جهان برگزار می کند. در جهانی بدون تبعیض نژادی، بدون نقض حقوق بشر و ملل، بدون وجود استثمار و بهره کشی انسان از انسان. در جهانی بدون طبقات در سراسر هر پنج قاره.

تنها در چنین زمانی آن حلقات دوستی ملل قاره ها، نماد واقعی المپیک پیروز ما اند.

ولی تاریخ آنها که با ما نیستند و در مقابل مانند، تاریخ دوستی ملل نیست، که در دوایر پنجگانه، مانند پنج تن، دست در گردن یکدیگر انداخته اند، و آن را نماد المپیک جا می زنند. تاریخ آنها، تاریخ زخم و چرک و خون است، تاریخ تجاوز به پنج قاره است. تاریخ تجاوز به حقوق ملل، تاریخ تجاوز به حقوق بشر است.

این تاریخی است که ما به مردم نشان می دهیم، تاریخ واقعی تحولات و تکامل جوامع بشری است. تاریخ امپریالیست فرتوت انگلستان تاریخ تبلیغات ارزان قیمت و هالیوودی و برتری طلبانه نژادی است.

در روز جمعه ۵ مرداد [اسد] ۱۳۹۱ مطابق ۲۰۱۲/۰۷/۲۷ مراسم بازیهای المپیک در شهر لندن افتتاح شد. بی بی سی از این مراسم به نام "سفری در دل تاریخ بریتانیا" سخن گفت و نوشت:

"همه فکر می کردند بعد از مراسم افتتاحیه پر زرق و برق المپیک پکن با آن همه هنرهای نمایشی و رقص و رژه، دیگر برای افتتاحیه یک المپیک چه مراسمی می توان تدارک دید.

....

همه چیز با انقلاب صنعتی شروع شد. زمین سبز و زیبایی که کارگران و سرمایه داران و جب به و جب آن را آلوده به تولیدات صنعتی کردند و در کمتر از نیم ساعت نمایش به جز دودکش های کارخانه و چرخه های صنعتی که در حال چرخیدن بود چیزی باقی نماند و در آخر هم این چرخه صنعت حلقه های المپیک را تولید کرد و به احترامش همگی کلاه از سر برداشتند.

....

در این میان البته کارگردان اشاره های کوتاهی هم به اتفاقات تاریخی کرد از جمله جنبش حق رای برای زنان بریتانیا.

....

بعد از آن تصاویری در مکانی دیگر جیمز باند را نشان دادند. شاید آن لحظه بسیاری منتظر دیدن یک تبلیغ تلویزیونی بودند، اما جیمز باند وارد اتاقی شد که زنی با موهای سفید در حال نوشتن بود. جیمز باند مؤدبانه ایستاد و با سرفه کوتاهی حضور خود را اعلام کرد. وقتی سر زن به سمت دوربین برگشت کسی نبود به جز ملکه بریتانیا، الیزابت دوم و طنز ماجرا وقتی اتفاق افتاد که جیمز باند و ملکه تصمیم گرفتند از داخل هلی کوپتر و با چتر نجات به داخل ورزشگاه المپیک بپرند. پرواز و حتی فرود بازسازی شده ملکه در محل برگزاری مراسم از شوخی های شیطنت آمیز دنی بویل با همه چیز بود.

...

پس از آن مراسم پر شد از معرفی چهره های فرهنگی و هنری بریتانیا. از قصه خوانی جی کی رولینگ نویسنده کتاب هری پاتر برای بچه های پیژامه پوش، تا از آسمان فرود آمدن مری پاپینز شخصیت دوست داشتنی برای کودکان و حتی بزرگسالانی که کودکی شان پر بوده از قصه های این بانوی اعجاب انگیز..."

همین اعترافات بی سر و ته پرده از ماهیت سیاسی ورزش بر می دارد. هر کس المپیک پکن را دیده باشد می داند که از آن تاریخ به بعد مراسم افتتاحیه حاوی مضمونی تاریخی اجتماعی و هنری و فرهنگی خواهد بود. المپیک پکن ملاکهای خلق کرد که از آن بیعدسایر دولی که این مراسم را برگزار می کنند به سادگی نمی توانند از کنار آن بگذرند و از تأثیرات آن بر حذر باشند. دیگر نمی شود با نمایشات تبلیغاتی بنجل، سر و ته مراسم افتتاحیه را بر هم آورد. عامل مهم تحول و تکامل بشر و سیر تحولات تاریخی را شما برای نخستین بار در پکن شاهد بودید. غیر از این هم نمی شد، زیرا که چین سرمایه داری کنونی، از دل سوسیالیسم گذشته و با خیانت به آن توسط رویونیستها، به درآمده بود، دستاوردهای سوسیالیسم را نمی شد و نمی شود یک شبه نابود کرد. ولی در پکن نیز از مستعمره بودن چین و تجاوز امپریالیستها به آن و جنگ تریاک برای خوش آمد امپریالیستهای بریتانیا، فرانسه، المان و ژاپن حرفی زده نشد. از تاریخ راه پیمائی طولانی ارتش سرخ مائوتسه دون خبری نبود، از جنگ توده ئی طولانی و نابودی فنودالیسم و انقلاب دموکراتیک نوین و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا سخنی به میان نیامد. در پکن نیز کسی از جنگ بزرگ ضد ژاپنی و پیروزی حزب بزرگ کمونیست چین و دستاوردهای عظیم سوسیالیسم که سکوی پرش سرمایه داری کنونی چین شده است، خبری نبود. در پکن نیز برای خوش رقصی برای سرمایه داری انحصاری جهانی نه به ۵ حلقه المپیک، بلکه به حلقات ۱+۵ آویخته بودند و انقلاب کبیر اکتوبر چین را که پیروزی عظیم پرولتاریا و دهقانان چینی به رهبری حزب بزرگ کمونیست چین بود، لاپوشانی کردند. رویونیستهای در قدرت، همدمستان امپریالیستها هستند و به خاطر آنها برای نمایش درجه صمیمیت و وفاداری خویش به جهان سرمایه داری، دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم را قربانی کردند و به طبقه کارگر چین خیانت نمودند. در المپیک پکن از درجه بالای استثمار طبقه کارگر چین که با نیروی حیاتش به ارزاقیمت ترین وجه کالا برای سرمایه داری چین و ریختن در بازارهای فروش جهانی تولید می کند و قربانی فجیع استثمار پروکراتیک حاکم است اشاره ای نبود. چین سرخ به چین سیاه بدل شد، به چین خروشچفی.

انگلیسیها فقط تلاش کردند یک کپی ناشیانه از روی نمایش تاریخ تحولات جامعه چین بنمایند و آن را بر تاریخ بریتانیا انطباق دهند. ولی آنها با خودبزرگ بینی و با بی شرمی آن مراسم عظیم و نوآوری بزرگ را به عبارت "پرزرق و برق المپیک پکن" خلاصه کرده و آن را کم ارزش جلوه می دهند. استعمار فرتوت بریتانیا برنامه افتتاحیه المپیک را برای جعل تاریخ و تبلیغات دروغگین برای فریب افکار عمومی تدوین کرد و برگذار نمود و طبیعتاً از المپیک رویونیستهای چین برای جعل تاریخ الهام گرفت. این نمایش جعل تاریخ نشان می دهد که تاریخ نگاری یک امر طبقاتی است و هر طبقه ای تاریخ را از منظر منافع طبقاتی خویش می نویسد. تاریخی تنها قابل اعتماد و استناد است که تاریخ مبارزه و زندگی مردم باشد و نه تاریخ زندگی شاهان، شاهزادگان، امراء و شیوخ و امیران. تاریخ رویونیستها تاریخ امپریالیستی است و نه تاریخ تجلیل از مبارزه طبقه کارگر و خلقهای ستمکش سراسر جهان.

این برنامه افتتاحیه از تحول جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی انگلستان صحبت می کند و صحنه های مربوطه را با یاری صنعت سینما و ساختمان دکور، ماهرانه به نمایش می گذارد، ولی پنهان می کند، که منظور از این صحنه سازی ها، همان پیروزی نظام سرمایه داری بر فنودالیسم است. در این تاریخ، تاریخ استعمار خونریز بریتانیا در سراسر جهان جایی ندارد. نه از کمپانی هند شرقی و ملی کردن صنعت نفت ایران، دادگاه لاهه و کودتای ۲۸ مرداد صحبت می شود و نه از سرکوب مبارزه استقلال طلبانه مردم امریکا به ضد استعمار انگلستان. نه از سرکوب مبارزات خلق چین و نه خلق کنیا و سایر خلقهای افریقا سخن در میان است. از اشغال جزیره فالکلند در سواحل آرژانتین حرفی در میان نیست. در این تاریخ جعلی، نقش کثیف نظام آپارتاید افریقای جنوبی که دست دراز شده استعمار انگلستان در افریقا بود، کتمان شده است. از برده داری سیاهان و گسیل میلیونی آنها به امریکا و انگلستان و فروش این انسانهای زجرکشیده و به غل و زنجیر بسته، یک کلمه پیدا نمی کنید. توگوئی مصر و سودان و عراق ... در زیر تازیانه های استعمار کهن انگلستان نبوده اند و یا تولد "حرام زادگانی" نظیر عربستان سعودی و اردن هاشمی و امارات متحده عربی، دست پرورده این روباه مکار نیستند. هنوز خلیج فارس از میراث استعمار انگلستان زجر می برد و بحرین قربانی سربازان متجاوز عربستان سعودی است. از تاریخ بریتانیا سخن می رود، ولی از نقش این امپریالیست در تقسیم جهان بعد از جنگ اول جهانی و نقش آنها در جنگ دوم جهانی و حمایت از سلطنت طلبان اسپانیا در مقابل جمهوریخواهان و تنظیم توافقنامه چکسلاواکی که این کشور را دو دستی به هیتلر تقدیم کرد تا مرزهای المان نازی به مرزهای شوروی لنینی-استالینی نزدیکتر شده و امکان تجاوز به شوروی را افزایش دهد، در میان نیست. از سکوت امپریالیست انگلستان در زمان اشغال کشور اتریش که تقویت نازی در اروپا بود، کسی حرفی نمی زند و از نقش کثیف آنها بعد از جنگ جهانی دوم و شرکت مستقیم در جنگ سرد به راحتی می گذرند. امپریالیست انگلستان تا قبل از خاتمه جنگ جهانی دوم سرکرده امپریالیستها در جهان بود و جنایتی در جهان نیست که دست خون آلود آنها در دخالت در آن مشهود نبوده باشد.

این امپریالیست مبارزه مردم ایرلند را سرکوب کرده و ایرلند را بخشی از خاک خویش به حساب می آورد. از رشد سرمایه داری در انگلستان صحبت می شود، از اختراع ماشین بخار و ساختن قطار و توسعه صنعتی انگلستان، صنایع فلزکاری و نساجی سخن می رود، ولی از استثمار شدید طبقه کارگر و وضع وخیم طبقه کارگر انگلستان و مبارزات عظیم کارگری و جنبش چارتیستها و اقامت کارل مارکس در لندن سخنی در میان نیست. توگوئی فراموش کرده اند که لیورپول با دست بردگان سیاهپوست افریقا ساخته شده است. فراموش کرده اند که نظام سرمایه داری انگلستان بر دوش طبقه کارگر انگلستان و محصول کار و دسترنج مردم بوده است. فراموش کرده اند که رفاه

انگلستان بر دریائی از خون مردم جهان و غارت نفت ایران استوار بوده است. آنچه ما در زیر می گوئیم تاریخی است که به نمایش نمی گذارند. ولی تاریخ واقعی انگلستان است. تاریخ زندگی کسانی است که انگلستان را بنا نهادند.

"طبقه زحمتکش در اینجا ۷۸ درصد تمام جمعیت را (حدود ۳۰۰ هزار نفر) تشکیل می دهد، و در محله هائی سکونت دارد، که از نقطه نظر فقر و نفرت انگیزی حتی از پست ترین لانه های "سن جیلز" و "وایت چپیل" محله های تیره روز "دابلین" و کوچه های کج و معوج "ادینبورگ" بدترند. تعداد این محلات در مرکز شهر بسیار است. در جنوب "تران گیت"، در قلب بازار نمک، در "کالتون" در جوار شاهراه و غیره، سربگمهای بی پایان کوچه های تنگ و یا کج و معوج که در هر قدم حیاط یا کوچه بن بستنی به آنها باز می شود که خانه های بلند، با تهویه بد، بدون آب و در حال خرابی را در بر می گیرند، خانه ها مملو از ساکنین است، سه یا چهار خانواده به سهولت ۲۰ نفر - در یک طبقه سکونت دارند. و گاه به یک طبقه به عنوان خوابگاه کرایه داده می شود، به طوری که در هر اطاق ۱۵ تا ۲۰ نفر، نمی خواهم بگویم کنار هم جای گرفته اند، بلکه بهتر است بگویم روی هم تئبار شده اند. این محلات در برگزیده بینواترین، منحنی ترین و بی ارزش ترین بخش جمعیت است و باید منشاء همه آن تب های واگیر و دهشتناکی دانسته شوند، که از اینجا تباهی را به سراسر "گلاسکو" می پراکنند".

بشنویم که "جی. سی. سیمونز مأمور دولتی بررسی وضع دستبافان، این محلات را چگونه توصیف می کند" "من بدترین صور فقر را چه در اینجا و چه در اروپای بَری دیده ام. ولی پیش از آنکه کوچه های کج و معوج گلاسکو را ببینم گمان نمی کردم، که اینهمه جنایت، فقر و بیماری می تواند در یک کشور متمدن وجود داشته باشد. در خوابگاه های عمومی درجه پائین ده، دوازده و گاه بیست نفر از هر دو جنس و از هر سنی، در درجات مختلف برهنگی، درهم برهم کف اطاق خوابیده اند. این مساکن چنان کثیف، مرطوب و خرابند، که هیچ انسانی مایل به نگاهداری اسبش هم در آنها نیست." (وضع طبقه کارگر در انگلستان صفحات ۴۹ تا ۵۱ نوشته فریدریش انگلس چاپ لایبزیگ ۱۸۴۵).

و یا در جای دیگر می آید:

"... بیگذار به زبان ساده بگویم: کارگر حقوقاً و عملاً برده طبقه دارای مالکیت، بورژوازی، می باشد. آنچنان برده اوست که چون یک کالا به فروش می رسد، چون یک کالا بهایش بالا می رود و سقوط می کند. اگر تقاضا برای کارگران افزایش یابد، در این صورت بهای کارگران هم بیشتر می شود. و اگر سقوط کند در این صورت بهای آنها هم کاهش می یابد، و اگر آنقدر سقوط کند که تعدادی از کارگران غیر قابل فروش شده و "در انبار بمانند"، در این صورت روی دست می مانند، ولی از آنجا که این برایشان نان و آب نمی شود پس از گرسنگی می میرند، زیرا به زبان اقتصاددانان سخن بگوئیم، هزینه هائی که به مصرف نگاهداری آنها می رسد خود را "تجدید تولید" نخواهند کرد، پول به دور ریخته خواهند بود و هیچ آدمی سرمایه خود را به این کار اختصاص نمی دهد، و تا اینجا آقای "مالتوس" با تئوری جمعیت خود کاملاً حق دارد. کل تفاوت با برده داری کهن و بی پرده صرفاً در این است، که کارگر امروز ظاهراً آزاد است، زیرا که به یک باره به فروش نمی رسد، بلکه تکه تکه، برای یک روز، برای یک سال، زیرا که مالکی او را به مالک دیگر نمی فروشد، بلکه او خود مجبور به فروش این سان خود است، چرا که نه برده یک نفر، بلکه برده تمام طبقه دارای مالکیت می باشد. برای وی جان مطلب یکی است، و اگر این ظاهر آزادی باید که برخی آزادیهای واقعی به او بدهد، ولی این عیب را دارد، که هیچ بشری معاش وی را تضمین نمی کند. و آقای او بورژوازی، هرگاه نفعی در اشتغال و وجود او نداشته باشد، می تواند به دورش بیندازد و به دست مرگ

گرسنگی بسپارد. وضع بورژوازی بالعکس در چنین ترتیبی به مراتب بهتر از زمان برده داری کهن است. او می تواند آدمهایش را هر وقت که بخواهد بیرون کند، بی آنکه بدین وسیله سرمایه گذارده شده ای را از دست بدهد. و همانطور که "آدم اسمیت" به منظور دلداری برایش محاسبه می کند، کار اصولاً ارزانتر از آن برایش تمام می شود که توسط بردگان میسر می بود... "(وضع طبقه کارگر در انگلستان صفحات ۷۷، ۷۸ نوشته فریدریش انگلس چاپ لایبزیگ ۱۸۴۵).

در فلم گشایش المپیک لندن سکوت می شود که نخستین جنبش کارگری در انگلستان به نام "جنبش چارتریسیم" به وجود آمد، جنبشی که به دنبال تحقق منشوری بود که از حقوق مردم و به ویژه کارگران دفاع کند. طبقه حاکمه انگلستان مخالف شرکت کارگران و مردم در سرنوشت خویش بود. جنبش چارتریسیمها خواستار آن بود که: حق رأی همگانی برای همه مردان بالغ، از لحاظ عقلانی سالم و فاقد سوء پیشینه جنائی به رسمیت شناخته شود. آنها در خواست می کردند که هر ساله انتخابات آزاد برای انتخاب نمایندگان انجام پذیرد و برای آن که تهیدستان نیز بتوانند خود را نامزد انتخاباتی بکنند به نمایندگان ملت حقوق پرداخت شود. بورژواها که متمکن بودند طبیعتاً به این حقوق نیاز نداشتند و می خواستند از حضور نمایندگان مردم در مجلس جلوگیری کنند. آنها طلب می کردند که رأی گیری باید به صورت مخفی انجام شود تا راه را بر فشار و رشوه و تهدید بورژوازی ببندند. آنها می خواستند که حوزه های انتخاباتی مساوی باشند، تا نمایندگی برابر تضمین شود، و خواهان آن بودند تا قانونی که حق نامزد شدن برای مجلس را مشروط به داشتن ۳۰۰ پوند ملک غیرمنقول می کند، ملغی شود، تا همه افراد صاحب رأی امکان داشته باشند، خود را نامزد انتخاباتی معرفی نمایند. بورژوازی بریتانیا نه تنها به زنان حق رأی نمی داد، بلکه این حقوق را از مردان نیز سلب کرده بود. تنها آن کسی حق رأی داشت، که پول داشت.

در نمایشنامه المپیک تاریخ انگلستان، به مبارزه طبقه کارگر، که سرانجام در اثر مبارزه خود، این خواستها را با خون و جان خویش به طبقه بورژوازی بریتانیا تحمیل کرد، کوچکترین اشاره ای نمی شود و تنها به طور ضمنی و برای خالی نبودن عریضه و تظاهر به احترام به حقوق دموکراتیک، از مبارزه زنان برای تساوی حقوقشان، که امروز طرحش بُرد سیاسی دارد، صحبت می شود. آنها چنین جلوه می دهند که گویا در انگلستان خواست تساوی حقوق و تحقق آن پا گرفته و این دستاورد بورژوازی انگلستان است. زنان انگلیس در تمام دوران مبارزه چارتریسیمها موفق نشدند به حقوق خود دست پیدا کنند و تنها بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و قدرت گرفتن کمونیستها در سراسر جهان سرمایه داری، بورژواها از ترسشان از مقاومت دست برداشتند و در بسیاری ممالک اروپائی به این خواست کمونیستها تن در دادند. تساوی حقوق زنان علی رغم مقاومت بورژواها از مرد و زن گرفته متحقق شد و نه با حمات آنها. آنها امروز مصلحت را در دروغگوئی می بینند تا مقاصد سیاسی روز خود را به پیش ببرند. آنها که برای حقوق ملتها ارزشی قایل نیستند، به یک باره هوادار تساوی حقوق زنان در همه ممالک مسلمان شده اند. کسب حقوق مساوی زن و مرد در انگلستان محصول مبارزه زنان بریتانیا و دستاورد بزرگ کمونیستها و انقلاب کبیر اکتوبر شوروی است و این حقیقت تاریخی را نمایش تبلیغاتی المپیک لندن جعل کرده و طوری جلوه می دهد که گویا فقدان این حقوق ناشی از مقاومت ارتجاع حاکم بریتانیا نبوده است.

در این نمایش تبلیغاتی، با نادیده گرفتن جنبش عظیم کارگری برای تحقق حقوق دموکراتیک و سوسیالیستی در انگلستان، به چند دهه اخیر می رسیم که به جای "رابین هود" قهرمان عدالت طلب و نماد مبارزه ضد فئودالی در انگلستان، به یک باره "جیمز باند"، به عنوان نماد ایدئولوژی استعمارگران انگلیسی برای قدرت نمائی در جنگ سرد به میدان می آید. "جیمز باند" نماینده نژادپرستی و آدم کشی و تحقیر انسانها و ملتها و برتری طلبی بورژوازی

نژادپرست آنگلو ساکسون است، که خود را هنوز آقای جهان جا می زند. یک "فهرمان" همه فن حریف که یک تنه، کار همه دشمنان "بشریت" را با تصمیمات شخصی و خودسری می سازد، وی هم نقش داور و هم پاسدار و هم دادگاه را بازی می کند. وی به عنوان فردی روئین تن، و شکست ناپذیر، باید نماد روئین تنی آنگلو ساکسونها باشد و افکار عمومی جهان را، آماده پذیرائی این "برتریت" بنماید. وی هم کودتا می کند و هم انقلاب و هم از انقلاب و کودتا جلو می گیرد. روزی روسها و روز دیگر چینی ها و البانی ها و حالا هم مسلمانها را از سر راه بر می دارد. وی لولو و نماد قدر قدرتی امپریالیستها برای تضعیف روحیه مردم است. وی نماینده منش فردی و خودپرستی و تبلیغ زندگی هپروتی و غیر واقعی است. وی نقش مهمی در کسب مدال طلای المپیک لندن به دوش می کشد.

"جیمز باند" به همه القاء می کند، استعمار، حامیان شکست ناپذیری دارد که زور توده ها به وی نمی رسد. "جیمز باند" که زنان وسیله شهوترانی وی بوده و وی در تمام طول ایفای نقشش به تحقیر آنها و انسانها مشغول است، باید سرمشق نسل جوان ومایه عبرت و ترس همه دنیا باشد. "جیمز باند" نقش مهمی در جنگ روانی و شست و شوی مغزی و مبارزه ایدئولوژیک امپریالیستها بازی می کند. سینمای آنها مملو است از "سوپر من"، "صاعقه" و "جیمز باند"ها. داستانهای هاری پوتر جای رابین هود را می گیرد و سخنی از نویسندگان مترقی و انقلابی انگلیس در میان نیست. این نمایشی است که برای المپیک ساخته و پرداخته بودند و باید به همه بینندگان ورزش مغزی دهد و مغزشان را شست و شو کند. مبارزه طبقاتی در عرصه ایدئولوژیک در متن ورزش صورت می گیرد و این مبارزه هم یک مبارزه طبقاتی است و تنها از این منظر کمونیستها باید به امر ورزش و نقش آن در زندگی توده های مردم بنگرند. ورزش در خدمت تبلیغات و تجارت و برده کردن انسانها در قالب گلاادیاتورهای جدید و یا ورزش با جنبه عمومی برای سلامت و حفظ سلامت و شادابی جامعه، ورزش در خدمت دوستی ملتها و انسانها.

**حزب کارایران(توفان)**

**۳۱ جولای ۲۰۱۲**

**[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)**

**[www.toufan.org](http://www.toufan.org)**